

نگاه حقوقدان

ماجرای دادگستری و بخش نامه تغییر ساعات کاری



ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

مدت‌هاست موضوع تغییر روزهای کاری کشور در فضای خبری ما داغ است؛ اینکه پنج‌شنبه تعطیل شود یا نه؟ و با چگونه تعطیلات داخلی (پنج‌شنبه و جمعه) را با آخر هفته‌های بین‌المللی (شنبه و یکشنبه) تطبیق دهیم. حتی چندی پیش حسن روحانی در دیدار با مدیران دولت خود اشاره کرد که هر کس از بیرون به گفت‌وگوهای داخلی ما پیرامون مسائل بدیهی مثل «شنبه تعطیل باشد یا نه؟» نگاه کند، متوجه می‌شود داخل کشور چه خبر است! ماجرای تعطیلات این قدر میان دولت و مجلس در رفت و برگشت بود تا در نهایت واقعیت خود را به مدیریت کشور تحمیل کرد؛ با صدور بخش‌نامه یکی از معاونت‌های سازمان شهادی‌ها و دهیاری‌های کشور در ۱۸ اردیبهشت‌ماه با استناد به یکی از تصمیمات هیئت وزیران در ۲۸ اسفندماه ۱۴۰۱؛ تا پایان شهریورماه روزهای پنج‌شنبه تعطیل و ساعات کاری از ۶ تا ۱۳ تعیین شد. پیش از ورود به بحث، جایگاه نهاد تصمیم‌گیرنده اهمیت دارد.

«سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور» نهادی زیرمجموعه وزارت کشور است که در سال ۱۳۸۳ با هدف «هماهنگی، هدایت، پشتیبانی، نظارت و آموزش شهرداری‌ها» تشکیل گردیده، گفته شده این نهاد بزرگترین سازمان اجرایی ایران است. گرچه در اصل یکصدم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شوراهای شهر و روستا با انگیزه مدیریت غیرمتمرکز و با هدف اداره امور توسط منتخبین محلی هر شهر و روستا پیش‌بینی شده است؛ اما نهاد سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و همچنین نظارت فرمانداری‌ها بر مصوبات شوراهای، نشان می‌دهد شورا در کشور ما نقش تشریفاتی دارد. جالب اینکه این بخش‌نامه با امضای «معاون عمران، توسعه امور شهری و روستایی» این سازمان (سه سطح پایین‌تر از هیئت وزیران) برای امری ملی تصمیم گرفته است! از آنجایی که تصمیم فقط برای تشکیلات زیرمجموعه قوه مجریه لازم‌الاجراست، در ادامه «معاون منابع انسانی و امور فرهنگی قوه قضائیه» نیز روزها و ساعات کاری تمامی واحدهای قضایی و ادارات تابعه قوه قضائیه را شنبه تا چهارشنبه و از ساعت ۶ تا ۱۳ اعلام کرد.

پرسش این است که این بخش‌نامه در دادگستری به چه کار می‌آید؟ روزگاری افراد برای فخرفروشی بیان می‌کردند: «تاکنون سرکار ما به کلاتنری و دادگستری نینقاده است» اما امروزه کمتر کسی است که با دستگاه قضا سرورکار نداشته باشد و موضوع «ثبث ثنا» (عضویت در سامانه الکترونیک قوه قضائیه) برای بیشتر مردم آشناست. جدای از اینکه طبق اصل هفدهم قانون اساسی، جمعه تعطیل رسمی بوده، در برخی استان‌ها پنج‌شنبه‌ها هم دادگستری و واحدهای تابعه تعطیل اند؛ برای نمونه در شهر تهران نهادهای قضایی پنج‌شنبه و جمعه تعطیل اند، روزهای شنبه و چهارشنبه به دلیل نزدیکی به تعطیلات معمولاً «تق و لق» است و احتمال دارد قضات یا کارمندان دفتری در مرخصی باشند، در نتیجه مراجعه کنندگان به دادگاه دست خالی باز گردد. از آنجایی که برای پیشبرد امور قضایی، حضور هم‌زمان همه عوامل شعبه (قاضی، مدیر دفتر، منشی و بایگان) ضرورت دارد و حضور همه این افراد تا ساعت ۹ کمتر اتفاق نمی‌افتد، کار دادگستری زودتر از این ساعات انجام نمی‌گیرد. در حالت عادی، محاکم تا ساعت ۱۲ یا ۳ دایر هستند، اما با فرارسیدن وقت اذان و شروع ساعت نماز و ناهار در حدود ساعت ۱۲، دیگر کارمندان در شعبه جمع نیستند و در عمل کار مؤثری رخ نمی‌دهد. خلاصه اینکه اکنون روزها و ساعات کاری مفید در دستگاه قضایی یکشنبه تا سه‌شنبه و از حدود ساعت ۹ تا ۱۲ است!

با صدور این بخش‌نامه و اعمال تغییرات، کار پیچیده‌تر شد؛ اول اینکه بسیار بعید به نظر می‌رسد قضات دادگستری که همین حالا که ساعات کاری ۸ است و در مجتمع‌های مهمی چون شهیدبهبشتی تهران بخشی از قضات حدود ساعت ۹ یا ۱۰ به محل کار می‌آیند، رأس ساعت ۶ صبح در شعبه حاضر شوند. از طرف دیگر، اوقات دادرسی از ماه‌ها قبل تعیین و ابلاغ شده است و این تعیین زمان جدید چندان به کار نمی‌آید و امکان جلوگیری از وقت رسیدگی ساعت ۸ به ۶ وجود ندارد. اکنون همان چند ساعت حضور هم‌زمان عوامل شعبه نیز کمتر شده و حتی اگر اصحاب حضور ساعت ۶ در محل حاضر شوند، کار مؤثری انجام گیرد. صدور این بخش‌نامه نشان داد اگر مقامات عالی‌سعه قوه بینگام برای تعیین تعداد و زمان روزها و ساعات کاری (و البته جلوگیری از ساعات) تصمیم نگیرند؛ واقعیاتی مثل کمبود برق، برای همه مدیران و البته مملکت تصمیم می‌گیرد، فرصت‌ها چون ابر در گذر است.

عقب کشیده شود و ۶ ماه دوم یک ساعت جلو کشیده شود. دویار دولت درخواست کرده و دویار هم مجلس همراهی کرده و با این درخواست موافقت کرده است. پس در دولت‌های مختلف نسبت به این موضوع نظرات متفاوت وجود دارد. دولت شهید رئیسی اعلام کرد که این تغییر ساعات رسمی مناسب نیست و مجلس هم به آن رای داد. در حال حاضر آقای پزشکیان در خواست کرده که ساعت رسمی تغییر کند. «سراج با بیان این که در خواست دولت برای تغییر ساعت رسمی کشور است، تأکید کرد: «مجلس با دو فوریت آن مخالفت کرده است. چرا باید ساعات رسمی را تغییر دهند؟ مگر کارمندان در اختیار دولت نیست؟ مگر در بردت هوا، افزایش دما و آلودگی، دولت کشور را تعطیل نمی‌کند؟ دولت برای این تعطیلی‌ها از مجلس اجازه می‌گیرد؟ اداره کارکنان حاکمیت در اختیار دولت است و می‌تواند اعلام کند که ۶ ماه اول سال تمام نیروهای اداری و کارگری ساعت ۶ صبح فعالیت خود را شروع کنند و ۶ ماه دوم ساعت ۷. دولت می‌تواند ساعت کاری را تغییر دهد. ساعات رسمی دست مجلس است. مردم هم در ساعت قدیم و جدید سردرگم می‌شوند. چرا باید مردم عادت کنند که اول سال ساعات‌های خود را یک ساعت جلو بکشند و مهرماه ساعات‌ها را عقب بکشند؟ مگر همه مردم در دستگاه اداری فعالیت می‌کنند؟ هر زمانی که دولت اعلام کند، بازار ساعت ۹ صبح کار خود را شروع می‌کند. دولت می‌تواند شروع ساعت کاری را با توجه به شرایط تغییر دهد.» او با اشاره به این که ما اختیار دولت را برای تغییر ساعات کاری نگرفته‌ایم، افزود: «مجلس مخالف این است که ساعت رسمی کشور تغییر پیدا کند. واقعاً تغییر ساعت رسمی چقدر مؤثر است؟ تأثیر این یک ساعت در میزان مصرف انرژی چقدر است؟ دولت می‌گوید که وسط روز تعطیل کنیم تا کارمندان و کارگران در ادارات از سرمایش استفاده نکنند. اما این افراد در خانه‌های خودشان از سرمایش استفاده می‌کنند. از سوی دیگر مگر وقتی کارمندان ادارات را ترک کنند تمام سیستم‌های سرمایشی خاموش می‌شود؟»

این نماینده مجلس با بیان اینکه مردم و کارمندان دولت خود را با ساعات اداری تنظیم می‌کنند، تأکید کرد: «در حال حاضر دولت می‌خواهد ناترازی‌ها را حل کند بهانه‌های سطحی می‌آورد. مشکل این موضوع نیست چراکه مدیریت آن در دست دولت است. مجلس به درخواست دولت خاتمی تغییر ساعت رسمی کشور را مصوب کرد. دولت احمدی‌نژاد در خواست لغو آن را داد و مجلس لغو آن را مصوب کرد. دولت روحانی دوباره تغییر ساعت رسمی را از مجلس درخواست کرد که مصوب شد و دولت حاج آقای رئیسی در خواست لغو آن را کرد و مجلس همراهی کرد و حل شد. مگر خیلی ناترازی ایجاد شد؟ ساعت کار در دست دولت است. مگر در شب‌های احیا در ماه رمضان دولت اعلام نمی‌کند روز بعد ساعت کاری ۹ صبح است؟ همه خود را با این ساعات تنظیم می‌کنند.

این بحث غیرضرور و بی‌جهت است و وقت مجلس را گرفت. «سراج در پاسخ به این سوال که به نظر شما لایحه تغییر ساعت رسمی کشور در مجلس مصوب می‌شود؟ گفت: «در کمیسیون اجتماعی بررسی می‌شود و به مجلس می‌آید و مجلس هم به آن رای نمی‌دهد. اگر اهمیت داشت فوریت آن رای می‌آورد. به نظر من دولت این لایحه را پس بگیرد و کار خودش را انجام دهد.»

واکنش‌ها به انتخاب پاپ لئو چهاردهم

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در گردهمایی صمدین روزه ریاست جمهوری اش به خبرنگاران با لحنی طنزآمیز گفته بود: «دوست دارم پاپ بعدی خودم باشم. این انتخاب شماره یک من است.» او در شبکه اجتماعی خود موسوم به تروث سوشال، انتخاب لئو چهاردهم را با اشاره به این که اولین پاپ اهل ایالات متحده است، تبریک گفت: «چه هیجان‌انگیز و چه افتخار بزرگی برای کشور ما.» «بی‌صبرانه» منتظر دیدار با رهبر جدید کلیسای کاتولیک هستم. **فریدریش مرس، صدراعظم آلمان** نیز این انتخاب را به پاپ لئو چهاردهم تبریک گفت: «اوبه میلیون‌ها مؤمن امیدوارانه‌امی در مسیر می‌بخشد.» نخست‌وزیر اسپانیا پدرو سانش‌نیز با تبریک به پاپ لئو چهاردهم، ابراز امیدواری کرد پاپ لئو چهاردهم در دفاع از حقوق بشر نقش آفرین باشد. **سفارت ایران در واتیکان** در واکنش به انتخاب لئو چهاردهم در واتیکان گفت: «سفارت جمهوری اسلامی ایران در مقر مقدس، انتخاب کاردینال پرووست را به‌عنوان پاپ و رهبر کلیسای کاتولیک جهان به پیروان این مذهب تبریک عرض می‌نماید و امیدوار است در دوران رهبری پاپ جدید، شاهد تلاش گسترده برای گفتگو، تقرب بین ادیان، گسترش صلح، عدالت اجتماعی و از میان برداشتن ظلم و ستم در جهان باشیم.» **جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)** نیز در بیانیه‌ای انتخاب پاپ لئو چهاردهم به عنوان رهبر جدید کلیسای کاتولیک را تبریک گفت و برای او در انجام مأموریت‌های معنوی و انسانی او آرزوی موفقیت کرد. حماس در این بیانیه با اشاره به رنج‌ها و فوجای جاری در جهان به ویژه تداوم جنگ و تجاوزهای رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین در غزه، تأکید کرده است که امیدوار است پاپ جدید در ادامه مسیر اخلاقی و انسانی پاپ فقید فرانسیس، در حمایت از مظلومان و مخالفت با نسل‌کشی در غزه کام‌بردارد.

لین جیان، سخنگوی وزارت خارجه چین نیز در نشست خبری خود تأکید کرد: «ما انتخاب کاردینال رابرت فرانسیس پرووست به‌عنوان پاپ جدید را تبریک می‌گوییم و امیدواریم رهبری او واتیکان را در مسیر ادامه گفت‌وگو سازنده با چین درباره مسائل مورد علاقه مشترک هدایت کند؛ گفت‌وگویی که به تعمیق ارتباطات، تقویت روابط دو جانبه، و همچنین صلح، ثبات، توسعه و شگوفایی جهانی کمک خواهد کرد.»

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز در پیامی خطاب به پاپ لئو چهاردهم رهبر جدید مسیحیان کاتولیک جهان، ضمن ادای احترام به پاپ فقید، ابراز امیدواری کرد که انتخاب ایشان، فرصت مغتنمی برای ترویج عدالت و کرامت انسانی و صیانت از صلح و آرامش باشد. او تأکید کرد: «در روزگاری که جهان به نحو کم‌سابقه‌ای گرفتار بی‌عدالتی و نامهربانی، فقر و نابرابری، و جنگ و خونریزی است، عطف توجه بین‌المللی به انتخاب پاپ جدید نشانه امیدواری و انتظار عمومی برای نقش آفرینی دین و آموزه‌های دینی در جهت صیانت از ارزش‌های متعالی انسانی و اخلاقی و جلوگیری از سیطره رذائل اخلاقی بر جامعه بشری است.»

کیوان زرگری



دستور بر خورد با ماینرهای غیر قانونی صادر شد



ادامه از صفحه اول

بود یک «پرسیبیتری» است؛ در خانواده‌ای پرسبیتری بزرگ شده و به کلیسای پرسبیتری می‌رفته که شاخه‌ای است از مسیحیت مشایخی. خود در سال ۲۰۱۱ علناً در مصاحبه‌ای اعلام کرد که پروتستان است ولی پرسبیتری. این که در استناد به کتاب مقدس گاه گاف می‌دهد و طبعاً نشان‌گر کم‌اطلاعی او از این عوالم است محل این بحث نیست ولی ژست سکولار هم نمی‌گیرد. چرا راه دور برویم؟ اما نوسل مکرون رئیس‌جمهوری فرانسه هم در تشییع پاپ فرانسیس فقید حاضر بود در حالی که اگر بنا بر غیبت یک کشور به سبب نسبت با دین و مشخصاً کلیسا باشد همانا فرانسه می‌باید بود که برخی از مشهورترین متفکران و نویسنده‌گان آن کم‌طعنه به اصحاب و ارباب کلیسا وارد نساخته‌اند و نام‌آوری سر فرزند خود را ببرد؛ در روایت او و یهودیان؛ اسحاق و عقاید مسیحی را به چالش کشید.

این عبارات همچنین به معنی آن نیست که پاپ جدید که عنوان «لئوی چهاردهم» را برای خود برگزیده (به معنی روگردی شنبه پاپ لئوی ۱۳ که ۱۹۰۳ از دنیا رفت) جهان را به سوی دین و معنی رهنمون می‌شود. غرض این است که بگوییم بادتیم با اعتراف کنیم بشر همچنان به دنبال گم‌شدن است و چه بسا نایافته دنیا را ترک کند. بر ما ما فرض است که در این نکته اندیشه کنیم. اگرچه بادتیم فراتر از ادعا و ظاهر به ایمان نیاز داریم. «کی‌یر که گور» فیلسوف شهیر دانمارکی که بر سارتز پیش گفته حق تقدم دارد هر چند مانند او خدانا باور نیست مدت‌ها غرق کشف این معما بود که چگونه ممکن است ابراهیم به استناد سه خواب مکرر تصمیم بگیرد سر فرزند خود را ببرد؛ در روایت او و یهودیان؛ اسحاق و در فرهنگ اسلامی؛ اسماعیل.

چرا که چنین عملی نه با عقل سازگار است، نه با عشق و عاطفه پدری و نه با اخلاق. حال آن که ابراهیم منشأ سه دین بزرگ اسلام و مسیحیت و یهود بوده است. «که گور» نه می‌توانست بپذیرد ابراهیم عاقل نبوده چون بر سر پرستش بت استدالات و احتجاجات عقلی می‌آورده و دیگر کنش‌های او همه خوردورزانه بوده است. نه این که با عشق و عاطفه و اخلاقی بیگانه بوده است. بسیار اندیشید و در نهایت یافت و گفت: ابراهیم، پدر ایمان است چون ایمان، برتر از عقل و عشق و اخلاق است. ایمان، گوهری همیشگی تابان است و زندگی ما را روشن می‌کند. نقل از کی‌یر که گور تنها به سبب آن بود که بادتیم این مفاهیم فراتر از شرق رفته است و گرنه بهتر از همه مولانای بزرگ بیان کرده: مؤمن آن باشد که اندر جز و مد کافر از ایمان او حسرت خورد فراتر از تمام این زرق و برق‌های ظاهری و مراتب کاردینالی و قله‌پایی و دود سفید، نوری در جهان روشن است و آن همانا ایمان است و لطف و لطافت آن چنان که هم «کی‌یر که گور» دانمارکی را به وجد آورد و هم فروغ فرخ‌زاد ایرانی را...

واقعیت این است که دین در کلیت خود قدرت خود را از دست نداده اگر چه به تعبیر فروغ فرخ‌زاد نام آن برنده که از قلب‌های ما گرخته باشد.

۵۰ سال قبل در همین منطقه خومدان در شمال ایران اتحاد جماهیر شوروی با نفی مذهب و باتکیه بر ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم برپا بود و اکنون به خاطر هاپیوسته و جمهوری‌های بعد از فروپاشی نتوانسته‌اند هویت دینی را کنار بگذارند و لول در دولت و قدرت دخالت ندهند. در غرب ایران هم اگرچه نگاه مارکسیستی حاکم نبود اما ترکیه بر لایسیتیه اصرار داشت که نه تنها نمادهای دینی که نهادهای دینی را هم برمی‌تافت و حالا چه؟ در عراق هم حزب بعث حکومت می‌کرد که عنصر نژاد را بر مذهب ترجیح می‌داد و با همین نگاه در فرودگاه دمشق-دیگر پایتخت بعثی-هم مسافران را به عرب و اجنبی تقسیم می‌کردند. در کشور همسایه شرقی ما کودتای کمونیستی برپا شده بود و می‌خواستند افغانستان را تاگهان با جهش ایدئولوژیک به جهان نوین پرتاب کنند و می‌دانیم حاصل چه شد!

تنها پاکستان با عنوان «جمهوری اسلامی» شناخته می‌شد اما آن هم نه به عنوان هویت دینی که به خاطر استقلال از هند و هندوها و در واقع جمهوری مسلمانان هند با تأکید بر پاک و نه نجس بودن آنان بود. حال آن که برای عنوان پاکستان شرقی و بعدتر بنگلادش که بر پایه زبان بنگالی شکل گرفت چنین ضرورتی ندیدند. اکنون اما صحنه کاملاً دیگرگون است. روسیه به عنوان مهم‌ترین بازمانده اتحاد جماهیر شوروی و قلب آن با کلیسای ارتدوکس پیوند مستحکمی برقرار کرده و در ترکیه دین نفی و انکار نمی‌شود و در عراق هم نخست‌وزیر شیعه بر سر تصمیم بگیرد سر فرزند خود را ببرد؛ در روایت او و یهودیان؛ اسحاق و خوانش از اسلام است و در پاکستان هم بیشترین احاساسات مذهبی در قبایل تحریکات و تحركات را شاهدیم و کار آن با هند شاید به جنگی جدی‌تر بکشد.

سیمای جهان تغییر کرده ولی دین همچنان با قوت حضور دارد. اتفاقی که بر برخی به وقوع انقلاب اسلامی در ایران نسبت می‌دهند یا آن نقطه شروع یا نمونه متمایز می‌دانند و در کلیت می‌توان به نیاز همیشگی بشر به گوهری به نام ایمان نسبت داد.

به جز چین که هیچ‌گاه چشمه‌های معنویت در آن نجوشیده و در عرفان و ادبیات ما نماد «صورت» در مقابل «معنا» بوده و در داستان «ذات‌الصور» مولانا در قالب قلعه‌ای ترسیم شده بر از صورت در دیگر نقاط جهان معنا هرازاگانه می‌شکلی بروز کرده است و اروپا و آمریکا از این قاعده مستثنی نیستند. نیاز بشر به معنا البته به معنی آن نیست که مدعیان الزاماً حامل آن یا حاملان راستین آن بوده‌اند یا از این رهگذر در پی استفاده شخصی و سیاسی نبوده‌اند. نزدیک‌ترین نمونه دونالد ترامپ است که به‌رغم اشتهار به رد ایل اخلاقی که در فرهنگ ما می‌تواند عین بی‌دینی هم باشد از حمایت کلیسا برخوردار بود و همین یکی از دلایل چربش او بر رقیب- کاملاً لاریس- ذکر شد. از حیث نوع مذهب هر چند گفته می‌شد او کاتولیک است جایی اما گفته